



سازندگان جهان ایرانی-اسلامی



..... گودفروا دوگلته

اخوان الصفا

آرمان گرایانی در حاشیه جهان اسلام

پریسا سجّادی



سرشناسه	: کالاتای، گودفروا دو	Callatay, Godefroid de
عنوان و نام پدیدآور	: اخوان الصفا: آرمان‌گرایانی در حاشیه جهان اسلام / گودفروا دو کلاته؛ مترجم	
مشخصات نشر	: تهران: نامک، ۱۴۰۳.	پریسا سجادی.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۹ ص.: مصور.	
شابک	: 978-600-6721-65-1	
فروست	: سازندگان جهان ایرانی - اسلامی؛ ۸.	
وضعیت فهرست‌نویسی	: فنیبا.	
یادداشت	: عنوان اصلی: Ikhwan al-Safa': a Brotherhood of Idealists on the Fringe of Orthodox Islam. ©2005.	
یادداشت	: نمایه.	
عنوان دیگر	: آرمان‌گرایانی در حاشیه جهان اسلام.	
موضوع	: فلسفه اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴.	
موضوع	: Islamic Philosophy - Early Works to 20th Century :	
شناسه افزوده	: سجادی، پریسا، ۱۳۶۳ - مترجم.	
رده‌بندی کنگره	: BBR ۱۸۳ ۱۳۹۵	
رده‌بندی دیویی	: ۱۸۹/۱	
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۳۴۱۷۴	

این کتاب ترجمه‌ای است از

Ikhwan al-Safa'

A Brotherhood of Idealists on

the Fringe of Orthodox Islam

Godefroid De Callatay

Oneworld Publication, ©2005.

✉ naamak.publication@gmail.com

📷 naamak.publication

📧 @naamakpublication

نامک در زبان پهلوی به معنای کتاب و نامه است.

تلفن: ۶۶۲۱۷۴۳۶



مجموعه سازندگان جهان ایرانی - اسلامی - ۸
دبیر مجموعه: مرتضی هاشمی پور

اخوان الصفا

آرمان‌گرایانی در حاشیه جهان اسلام

گودفروا دو کلته

ترجمه پریسا سجادی

طرح جلد: پرویز بیانی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هفا (امید ستینکاظمی)

چاپ دوم: ۱۴۰۳

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۱۰۰ هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۱-۶۵-۱ ISBN: 978-600-6721-65-1

همه حقوق برای این اثر محفوظ است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً به هر صورت

(چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوتی)

بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد

دفتر فروش: ۶-۶۶۴۷۷۲۰۵، داخلی ۱

یادداشت دبیر مجموعه

هدف مجموعه سازندگان جهان ایرانی - اسلامی آشنا ساختن افراد غیر متخصص و علاقه مند به پژوهش های مستند و دقیق درباره تاریخ و تمدن ایران و اسلام است.

مجموعه حاضر در اصل برگرفته از مجموعه سازندگان جهان اسلام به سرپرستی استاد فقید خانم پاتریشیا کرون است. بعد از درگذشت ایشان خانم زاینه اشمیتکه و خالد الرهیب سرپرستی مجموعه را برعهده گرفتند. ما شخصیت های مرتبط با فرهنگ ایرانی را انتخاب کردیم و دست به کار ترجمه شدیم. ممکن است اثری در این مجموعه به فردی غیرایرانی اختصاص داده شده باشد، ولی آن فرد به دلایل مختلف و در وجوه گوناگون در تاریخ و فرهنگ ایرانی مؤثر بوده است. لذا بی هیچ جانبداری و تعصب و تنها با تأکید بر عوامل تاریخی و نیز صحت در روش تحقیق مجموعه آثار منتشر شده را انتخاب کرده ایم. درست است که این مجموعه به دست متخصص و صاحب نظر در هر موضوع فراهم آمده است ولی - همان طور که ملاحظه خواهید کرد - علاوه بر پژوهشگران، علاقه مندان و غیرمتخصصان هم از آن بهره مند می شوند. روش درست و کاویدن منابع و اسناد از جمله ویژگی های کتاب های مجموعه سازندگان جهان ایرانی - اسلامی است. بر خوانندگان هشیار پوشیده نیست که با شناخت و درک درست از گذشته و با آگاهی و تأمل در روزگار امروزی می توان افق های درخشانی را پیش روی ترسیم کرد. امید است مجموعه حاضر

هم اطلاعات و دانش خوانندگان علاقه‌مند را بیفزاید و هم دانشجویان را درسی در روش تحقیق باشد، و همچنین صاحب نظران را با آثار جدید پژوهشگران غیرایرانی هرچه بیشتر آشنا سازد.

مرتضی هاشمی پور

www.ketab.ir

فهرست

۱۱.....	□ تقدیر و تشکر.....
۱۳.....	□ درآمد.....
۱۴.....	تشیع.....
۱۶.....	فلسفه.....
۱۸.....	قرن چهارم هجری.....
۲۳.....	۱. باطنی‌گری.....
۲۴.....	نام گروه.....
۲۵.....	مسأله تاریخ و نویسندگان.....
۲۷.....	شواهد تاریخی.....
۳۱.....	نظریه پردازی‌های بعدی.....
۳۴.....	ملغمه جدید.....
۳۵.....	پیکره رسائل.....
۴۳.....	۲. فیض باوری.....
۴۳.....	شکل‌گیری جهان.....
۴۶.....	خلقت زمان.....
۴۸.....	کون و فساد.....

۴۹.....	جایگاه انسان در خلقت پروردگار.....
۵۱.....	طبیعت دوگانه انسان.....
۵۳.....	نشانه های نخستین آدم.....
۵۵.....	تصورات آخرت شناختی.....
۶۳.....	۳. هزاره باوری.....
۶۴.....	جبر اختیارینانه.....
۷۰.....	اعتقاد به چرخه های پیامبرانه.....
۷۲.....	منشأ اختربینی پیامبرانه.....
۷۳.....	یک قرآن سمد در یک نگاه.....
۷۶.....	خوابیدگان در غار.....
۸۳.....	غیبت و ظهور.....
۸۴.....	ظهور سه قائم.....
۸۹.....	۴. بسیار دانشی.....
۹۰.....	دسته بندی علوم.....
۹۱.....	علوم پیش آموزشی.....
۹۳.....	علوم دینی.....
۹۵.....	علوم فلسفی.....
۹۶.....	زیرشاخه های علوم فلسفی.....
۱۰۰.....	مقایسه این نظام ها.....
۱۰۵.....	۵. در هم آمیختن باورها.....
۱۰۶.....	میراث یونانی.....
۱۱۰.....	تأثیرات ایرانی و هندی.....
۱۱۲.....	سازش حکمت دینی و دنیوی.....
۱۱۴.....	تفسیر قرآن.....
۱۱۶.....	همتراز کردن کتاب های مقدس.....
۱۱۹.....	کتاب فرجامین.....

۱۲۳	۶. آرمان پرستی
۱۲۳	دیگر اقراها
۱۲۶	احکام
۱۳۱	امام حقیقی
۱۳۷	تبلیغات مصور
۱۳۹	مجالس العلم
۱۴۰	استعارات آرمانشهر
۱۴۳	سخن آخر
۱۴۸	واهنمای مطالعات بعدی
۱۴۸	چاپ ها و ترجمه ها
۱۵۰	بحث
۱۵۳	نمایه

درآمد

این کتاب دربارهٔ مجموعه‌ای در حدود پنجاه رساله است که گروهی گمنام، ملقب به اخوان‌الصفاء، حدود قرن نهم میلادی / چهارم هجری^۱ در عراق امروزی منتشر کردند. هویت قطعی این افراد محل مناقشه است. به گمان قوی، ایشان می‌باید منشیان دستگاه‌های اداری محلی بصره (شهری در جنوب عراق) بوده باشند، اما همگان با این ظن موافق نیستند. آنها که بودند؟ نمی‌توان زندگی‌نامه‌ای برای کل این گروه و یا هیچ‌یک از این افراد نوشت. با این حال، این که می‌توان تصویری ذهنی از آنان ارائه داد به این دلیل است که آنها درگیر این مجموعه بوده‌اند. این اثریک نظام عقلانی منسجم را به تصویر می‌کشد، دیدگاهی به جهان که قرن‌ها مورد قبول بود، اما با همهٔ این احوال آنان از یافتن خوانندگانی در تمام قرن‌ها دست نمی‌کشند. اخوان تأثیر چشمگیری بر روی بسیاری از متفکران اسلامی داشته‌اند؛ هر چند علناً به این موضوع اقرار نشده است. از رسائل اخوان‌الصفاء، تا امروز نسخ بسیار باقی مانده است.

این رسالات به دو دلیل نزد مسلمانان سنی مذهب غیر قابل قبول است. اول، این که اخوان در اصل شیعه مذهب بودند و دوم این که آنها آشکارا از طرفداران فلسفه یا به عبارت دقیق‌تر، نوافلاطونی یا به اذعان غزالی فیشاغوری به شمار

۱. تواریخ در کتاب اصلی به میلادی ذکر شده که برای درک بهتر از موقعیت زمانی برای خوانندگان ایرانی، همگی را مترجم به هجری برگردانده است.

می‌روند. رسائل، در حقیقت محصول مشخصه علمی قرن چهارم هجری است (قرنی سرشار از فعالیت‌های علمی و عقلی پر دامنه در جهان اسلام). در ادامه درآمد در مورد این سه مشخصه بیشتر توضیح داده خواهد شد.

تشیع

شیعه به سه خلیفه اعتقادی ندارد. همه شیعیان بر این باورند که تنها اهل بیت پیامبر که امام خوانده می‌شوند (تقریباً مترادف با خلیفه) صلاحیت اداره جامعه اسلامی را دارند. این عدم توافق به دیدگاه‌های متفاوتی درباره نقش امامان نیز انجامید. شیعیان، بیش از دیگر مسلمانان، امام را فراتر از یک رهبر مذهبی دانسته و مدعی بودند بدون امام نمی‌توان به رستگاری رسید، چرا که افراد به تنهایی قابلیت فهم معنای نهانی وحی را ندارند. در اواخر قرن سوم هجری، شیعیان به چهار شاخه اصلی تقسیم شدند:

بزرگ‌ترین گروه، شیعیان دوازده امامی هستند که معتقدند زنجیره‌ای از دوازده امام، از زمان پیامبر تا ۲۶۰ هجری قمری که امام دوازدهم غایب شد، هدایت مؤمنان و پیروان را به عهده داشتند. شیعیان با گرامی‌داشت شهدا و انتظار برای ظهور امام دوازدهم، به عنوان منجی آخرالزمان، ایفای نقش در سیاست را رها کردند. اما این اعتقاد سیاست‌زدایانه، خوشایند حاکمانی بود که در پی پایان دادن به خلافت نبودند. عباسیان که بر پهنه وسیعی از جهان اسلام حکومت داشته و مذهب تسنن را گسترش می‌دادند، در این زمان ضعیف شده بودند؛ این سلسله از ۳۳۴ هجری تحت تسلط آل بویه درآمد که سربازان مزدوری از سواحل دریای خزر بودند و برای خود در غرب ایران، یعنی عراق کنونی، حکومت تشکیل دادند. اینان بعد از رسیدن به عراق، امامی‌گری را ترویج دادند. حمدانیان نیز خاندان کوچکی بودند که بر سوریه فرمان می‌راندند و احتمالاً شیعه بودند.

زیدیه، دومین گروه شیعیان، بیشتر حالتی ستیزه‌جو داشتند و در قرن چهارم هجری یمن و دیلم را اشغال کردند. احتمالاً آل بویه قبل از رسیدن به عراق، پیرو زیدیه بودند. سومین گروه، از افراطیون گروه‌های دیگر تشکیل شده بود، که در طیف

وسیع عقایدشان مواردی همچون «تناسخ روح، تشبه روح، یا تشبیه امام به خدا» نیز دیده می‌شود.

چهارمین گروه، اسماعیلیان بودند که بر ریشه شیعیان امامی و افراطی پا گرفته و در اواخر قرن سوم هجری به صورت کامل پدیدار گشتند. اسماعیلیه مجموعه پیچیده‌ای از آموزه‌های مذهبی، اجتماعی و اندیشه‌های عقل بنیاد بود با هدف ارائه نظریه‌ای جهانی در مورد خدا، جهان و جایگاه بشر در تاریخ. اسماعیلیان نیز همانند شیعیان امامی، درگذشتگان خود و سلسله هفت امام خویش را (که آخرینشان در نیمه اول قرن دوم هجری غایب شد) گرامی می‌داشتند. آنها با نظریات پیچیده‌ای در باب تقسیمات تاریخ جهان معرفی می‌شوند که مطابق آن، جهان به هفت چرخه تقسیم می‌شود و علی‌الظاهر یک پیامبر منادی هر چرخه بوده است. با وجود تشیع امامی، اسماعیلیه شاخه‌ای سیاسی و خصمانه از تشیع بود که از نیروی نظامی بسیار استفاده می‌کرد. در اینجا لازم است به مشکلات فراوانی که گروهی از اسماعیلیان انقلابی به نام قرامطه در عراق و خلیج فارس به وجود آوردند نیز اشاره‌ای شود؛ آنها حتی موفق شدند حجرالاسود را از مکه به سرقت ببرند. اما بزرگ‌ترین موفقیت اسماعیلیان زمانی به دست آمد که یکی از گروه‌هایی که در تونس ظهور کرده بود، در سال ۳۵۹ هجری، حکومت مصر را در دست گرفت. این گروه فاطمیان بودند و آنقدر قدرت داشتند که بتوانند خود را خلیفه بخوانند. در کل، تشیع با وجود چندشاخگی درونی‌اش، در قرن چهارم هجری به خوبی ریشه دوانید. اگرچه اهل تسنن از نظر تعداد در اکثریت بودند، اما ناچار شدند قدرت را در مناطقی با شیعیان تقسیم کنند.

اغلب این تصور وجود داشته که اخوان الصفا نیز اسماعیلی‌اند؛ اما پذیرش این موضوع مشکل تراز قبول تشیع آنهاست. با وجود این که رسائل با اصول اعتقادی اسماعیلیان مشترکات بسیار دارد، اما به نظر غیرممکن است بتوانیم نویسندگان را با هیچ‌یک از دسته‌های اسماعیلی تاریخ، مرتبط بدانیم. نوشتار حاضر، مطالب اندکی به این بحث می‌افزاید، بدون این که پاسخی دقیق به این مسأله داده باشد؛ اما این به معنای کم‌اهمیت شمردن موضوع نیست. مطمئناً که پیکره رسائل باید بدون

کوچکترین پیش داوری نگریسته شود و برشمردن آنها به عنوان محصول محض تفکر اسماعیلیان (همان طور که بسیاری از اندیشمندان گذشته این کار را انجام داده اند) ناگزیر تأثیری ناخوشایند بر تفسیر خوانندگان خواهد داشت. به علاوه، همان طور که در متن بیشتر مشخص می شود، این تعریف محدودکننده و غیرقابل مقایسه با دیدگاه التقاطی است که اخوان در رسائل خویش به نمایش گذاشته اند.

فلسفه

پیش از ظهور اسلام، خاورمیانه مرکزی بود که فلسفه یا به عبارت دیگر کالبد نظام عقلانی به جا مانده از دوران کهن، همزمان با این که در غرب دریای مدیترانه از آن دست کشیدند، پروریده شد. جماعتی از فلاسفه (غالباً، اما نه صرفاً مسیحی) در شهرهایی نظیر موصل، ادسا، جندی شاپور و حران گرد هم می آمدند. سنت غنی ای که در یونان، سوریه و ایران با گرفته بود، حتی بعد از یورش ناگهانی اعراب نیز ادامه یافت. حمله اسلام در اواخر قرن یکم هجری و گسترش آن تا مرزهای اسپانیا و هند، در نخستین برخورد خود این نظم را بر هم نزد؛ اما در اواخر خلافت امویان (۱۳۲ هجری) و به ویژه اوایل خلافت عباسیان، حرکتی بی سابقه برای ترجمه این سنت غنی به زبان عربی (زبان حاکمیت جدید) آغاز شد. این مسؤولیت عظیم نمی توانست قبل از قرن چهارم هجری خاتمه یابد، یعنی زمانی که به استثنای برخی از آثار ادبی خاص که مورد علاقه دانشمندان اسلامی نبود، تقریباً تمام منابع یونانی موجود در این منطقه از جهان به زبان عربی ترجمه شدند. گستره چشمگیر این رشته ها از منطق و متافیزیک تا اخلاق و سیاست، پزشکی و علوم طبیعی، علوم اعداد (ریاضیات، هندسه، موسیقی و ستاره شناسی) و علوم فنی را در بر می گرفت. جهان اسلام در طول دو قرن، آمیزه ای غنی از فرهنگ ها، نژادها و مذاهب مختلف بود که در آن محیط مترجمان، نسخه برداران و دانشمندان می توانستند در کنار یکدیگر کار کنند. بیشتر این آثار، به خصوص در آغاز این جنبش علمی، به سفارش خلفا انجام می گرفت اما در کل برنامه ای متمرکز یا حامی مشخصی برای این برنامه وجود نداشت و همین امر دستاوردهای آنان را بسیار تأثیرگذار می کند. اکثر مترجمان

مسیحی بودند، اما گروه‌های دیگری نیز به ترجمه اشتغال داشتند از جمله یهودیان، ایرانیان، اعراب و حتی بت‌پرستان و کافرکیشانی که در شهر حِزْان زندگی می‌کرده و اعتقاد آنان به الوهیت سیارگان تا قرن چهارم هجری ادامه یافت. لازم به ذکر نیست که این تکثر فرهنگی باعث شد نه تنها منابعی که در یونان ریشه داشت، بلکه منابع هندی، ایرانی و بین‌النهرینی نیز مرکز توجه باشد.

فلسفه و دیگر علوم عقلی به سادگی جایگاه خود را در نظام خوش ساختار تفکر اسلامی باز نکرد. تا زمانی که بالاخره این علوم مجال ظهور یافتند، زمینه علوم نظری به شدت در انحصار علوم سنتی، یعنی علمی (نظیر فقه و کلام) بود که می‌توانستند پایه قرآن و سنت پیامبر را تثبیت کنند. به این ترتیب، تحولی حتمی در جریان بود. همان‌طور که انتظار می‌رفت، کلام اسلامی، با شک و تردید و به آهستگی تن به استدلال‌های مستقل سپرد. معتزله، مکتبی الهیاتی با پایه‌های اعتقادی عقل‌باور، بر این دوره بسیار تأثیر گذاشت. حتی برای مدتی در اواخر قرن دوم هجری، از حمایت خلیفه بغداد که در اوج قدرت بود، نیز برخوردار شد. تصادفی نیست که کندی (وفات ۲۵۶ هجری)، بزرگ‌ترین شخصیت فلسفه اسلامی نیز در این دوره پا به عرصه گذاشت. کندی، از اعضای جنبش ترجمه میراث باستان و نخستین فیلسوف بزرگی است که نامش در منابع مکتوب اعراب آمده است. به این ترتیب، او و حلقه‌اش نخستین متفکرانی بودند که سعی کردند میراث کافرکیش یونانی را با حقیقت الهی قرآن و زندگی حضرت محمد [ص] تلفیق کند. کارهای عظیم کندی، که قسمت‌هایی از آنها تا به امروز باقی مانده است، شاهدی بر این حقیقت است که او بیش از آن‌که یک فیلسوف به معنای دقیق کلمه باشد، فردی جامع‌الاطراف بود. او تقریباً در مورد تمام موضوع‌ها از ریاضیات تا فیزیک و از تاریخ تا جادو مطالبی نوشته بود. مورد مشخص دیگر در رسالات وی این است که او از فلاسفه باستان بیش از همه افلاطون و ارسطو (هر دو قرن چهارم ق. م) را می‌ستوده است. این موضوع در مورد اکثر فلاسفه قرن چهارم صادق است. از آنجا که بعدها یکی از این دو فیلسوف بر دیگری ارجحیت داده می‌شد، لازم است بین ارسطوئیان و افلاطونیان تمایز قائل شویم.

اخوان الصفا در زمره کسانی هستند که بیشتر تحت تأثیر افلاطونیان یا به عبارت بهتر، فلسفه نوافلاطونی قرار داشتند و روش تفکر آنان یادآور ساختار نظری خاصی است که در فلسفه متأخر نوافلاطونیانی نظیر افلوپین (قرن سوم میلادی) و یا پروکلس (قرن چهارم میلادی) دیده می شود. اخوان در عقاید بسیاری، مثل این که انسان جهانی است در ابعاد کوچک، با آنان مشابهت داشتند. آنان باور داشتند که جهان به وسیله روح جهان به حرکت درآمده و از میان افراد، تنها روح فلاسفه می تواند به اصل خدایی خویش بازگردد. تا اندازه ای می توان گفت که اخوان در آمیزگاری اسلاف یونانی خود، از جمله چهره های برجسته ای نظیر نوافلاطونیان، جلوتر رفتند. این موضوع درست است، اما به نظر من تقلیل مفاهیم فلسفی اخوان تنها به این بُعد، اگر اشتباه نباشد، کمی خطر ساز به نظر می رسد. رساله حاضر به ویژه زمانی که درباره منابع مورد استفاده اخوان سخن می گوید، این موضوع را تصریح می کند.

قرن چهارم هجری

در نگاه نخست، جهان اسلام در قرن چهارم هجری متناقض نماست. این قرن از یک طرف با تزلزل سیاسی چشمگیری که فرورپاشی خلافت بارزترین نمونه آن است، مشخص می شود و از سوی دیگر شور و شوق اندیشه بنیاد، پویندگی فرهنگی و جدیتی بی نظیر در این امور آن را توصیف می کند تا حدی که در بسیاری از متون تاریخی، این دوره را عصری طلایی در تفکر اعراب مسلمان دانسته و شکوه و عظمت این عصر را با برجسته کردن نام های بزرگ آن زمان ترسیم می کنند؛ فارابی و مسکویه فیلسوف، متنبی شاعر، مسعودی مورخ، مقدسی جغرافیدان، صوفی منجم و حلاج عارف. در حقیقت این تناقض به اندازه ای که به نظر می رسد حقیقی نیست، تمرکززدایی از قدرت نقش مثبتی در این روند داشته است. در نتیجه تمرکززدایی، نخست سنت های محلی قومی یا مذهبی که تحت سلطه اعراب محو شده بودند، احیا گشتند. دوم این که، این موضوع مطمئناً به آمادگی حاکمان برای پشتیبانی از هنر و علوم می انجامید، همچنان که فرمانروایان جدید بر سر گرفتن

جایگاه خلفا در این موضوع رقابت می‌کردند. جدای از امویان سنی مذهب در اسپانیا، می‌توان چندین حکومت شیعه مذهب از جمله آل بویه در عراق، حمدانیان در سوریه و فاطمیان در مصر را از حامیان و پشتیبانان هنرمندان و دانشی مردان دانست.

در میان طیف گسترده آثار عربی زبان تألیف شده در عصر طلایی مسلمانان، رسائل اخوان الصفا نمونه‌ای بی‌نظیر و عجیب است، و همانند دیگر آثار اندک همعصرش، بازتاب روزگار خود. رسائل برای نویسندگان، دانش‌نامه‌ای جامع از دانش بشری است و این به آن معناست که آنها ناگزیر بودند خود را در جریان زمینه‌های تاریخی و مباحث هریک از شاخه‌های مورد بحث، قرار دهند. بخشی از کتاب حاضر به بررسی ماهیت دانش‌نامه‌ای پروژه اخوان اختصاص دارد، چرا که این خصیصه آن را در تاریخ ادبیات عرب و حتی کل تاریخ ادبیات، منحصر به فرد می‌کند. به نظر بهتر است این نوشتار در شش فصل مرتب شود و هر فصل یک جنبه از مبحث ما را به تصویر بکشد.

فصل (۱)، «باطنی‌گری»، دیدگاهی کلی را بیان کرده، تضاد چشمگیر نویسندگان را برجسته می‌کند که بزرگ‌ترین کار آنان این است که هویتشان را تا زمان حاضر مخفی نگه داشته‌اند و وابستگی آنها ساختار کالبدی متون را مشخص می‌کند که به نظر می‌رسد در طول قرن‌ها بدون تغییری چشمگیر نوشته شده است.

فصل (۲)، «فیض باوری»، به تحقیق در باب عناصری می‌پردازد که چارچوب نظام اندیشه ورز اخوان را شکل می‌دهد. این فصل به رسائلی درباره خلقت جهان، خلقت زمان، جایگاه انسان در زنجیره وجود می‌پردازد و دلایلی را که چرا یک روح منفرد می‌تواند امیدوار باشد که روزی در آینده به اصل خدایی خود بازگردد شرح می‌دهد.

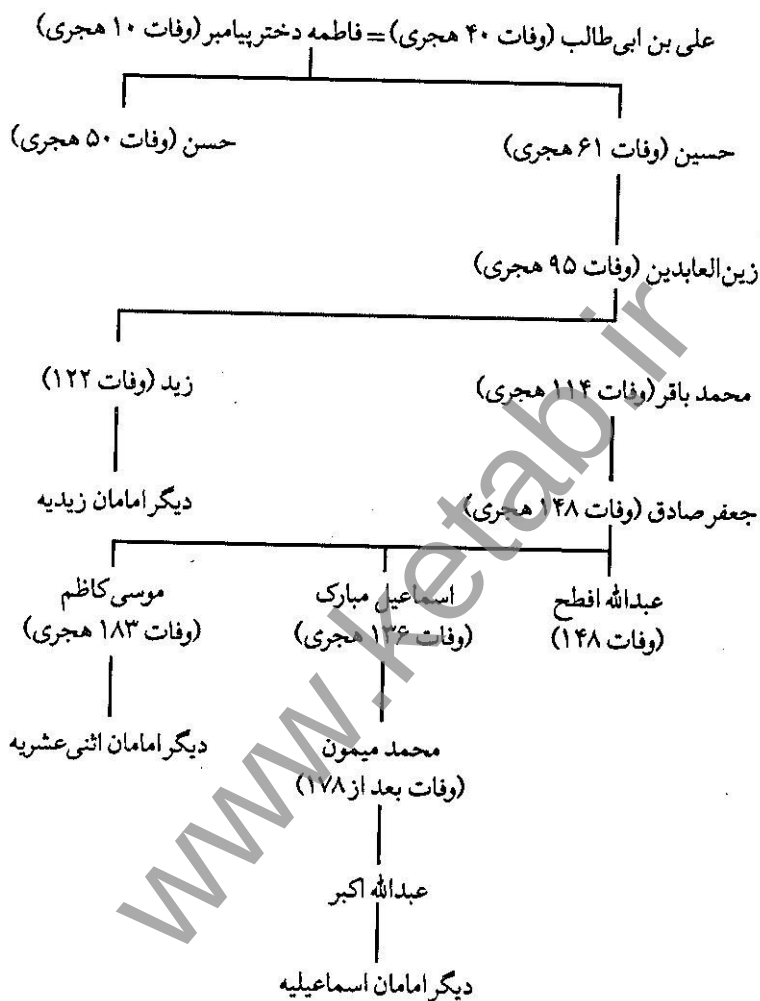
فصل (۳)، «هزاره باوری»، به روشی می‌نگرد که اخوان از هنر جنجالی اختربینی استفاده می‌کنند تا نگاهی اسرارآمیز به تاریخ جهان را که با چرخه‌ای پیش‌گویانه ایجاد شده و با آمدن یک منجی کامل می‌شود، توجیه کنند. هدف این بخش، به ویژه، روشن کردن این موضوع است که اخوان رسالت خود را چگونه در ارتباط با چرخه حاضر شرح می‌دهند.

فصل (۴)، «بسیار دانشی»، به تلاش‌های عظیم اخوان برای تکلیف کردن یک ساختار منسجم بر نظام دانش بشری اشاره دارد تا در نتیجه بتوانند از رسالاتشان به عنوان برنامه‌ای روحی و معنوی و مطلوب برای پیروانشان بهره ببرند.

فصل (۵)، «درهم آمیختن باورها»، که قرار است آزاداندیشی و آمیزگری تأثیرگذار اخوان را که تلاش می‌کردند حقیقت آشکار در متون مقدس را با یافته‌های علمی و فلسفی تلفیق کرده و به دانشی مردان سراسر جهان بنمایانند، نشان می‌دهد.

فصل (۶)، «آرمان‌پرستی»، بر مفهوم اخوان از دلاییشان و رویکردهای قاطعانه‌ی نخبه‌گرا و توجه به تفکر بیش از عمل تأکید دارد. هر دو نکته نشان می‌دهد که تبلیغات آنها هیچ‌گاه به یک انقلاب مذهبی یا آشوب سیاسی منجر نمی‌شود.

در پایان کتاب، بی‌گفتار می‌آید که تأثیر اثر در قرن‌های بعد را ارزیابی کند. پرواضح است که شیوه انتخاب فصول در این کتاب به هیچ‌وجه نمی‌تواند گستره وسیع و پیچیده رسالات و نوشته‌های اخوان الصفا را در بر بگیرد. با این حال، این کتاب زمانی به هدف خود دست خواهد یافت که جدای از اهل فن، مخاطب جدیدی به خوانندگان میراث این گروه متفکر که قاطعانه متعهد شدند میراث عقلی بشری را برای آیندگان حفظ کنند، اضافه کند.



امامان امامی و اسماعیلی